

برای اینکه وضع زارعین و طرز زندگی کشاورزان به علت ناامنی در مملکت و تجاوز بعضی از ایلات و عشایر به دهات، روشن گردد لازم است مختصری درباره نقش امنیت در بهبود وضع روستائیان و سوء استفاده بعضی از ایلات و عشایر از ضعف قدرت حکومت مرکزی، مطالبی ذکر شود. پس از صفویه به واسطه جنگهای داخلی و ناامنی مملکت و همچنین عدم توجه دولت، زراعت ایران در حال تنزل بود.

در دوره قاجاریه نیز این تنزل به طور کامل محسوس و عامل اصلی این امر، همانا ناامنی کشور و عدم توجه دولت به سرکوبی ایلات و عشایر متجاوز بود، بعضی از ایلات و عشایر در مواقع ضعف دولت، کمال سوء استفاده را از قدرت خود می‌کردند و به غارت دهات و آبادی‌های کشور می‌پرداختند.

ایلات و عشایر ایران از لحاظ اختلاف زبان و لهجه به شش دسته تقسیم می‌شوند: ترکمنان، ترک زبانان، کردان، لران، عرب زبانان، بلوچ‌ها.

طوایف عمده ترکمن عبارتند از: کورکلان - ویموت

طوایف عمده ترک زبان عبارتند از: قشقایی، شاهسون، ارسباران، خلخالی که هر یک به ایلات کوچکتر تقسیم می‌شود.

طوایف عمده کردان عبارتند از: مگری، گوران، کلهر، سنجابی، قبادی، زعفرانلو، شادلو.

طوایف عمده لران عبارتند از سگوند، ممسنی، لک، عشایر کوه کیلویه و بویراحمدی ایلات بختیاری. هفت لنگ و چهارلنگ و طوایف دیگر

عشایر عرب زبان عبارتند از ایلات خمسه، بنی طرف، بنی کعب، آل خمیس، آل حمید، آل کثیر، آل ضیفم، شرفا، بنی صالح، بنی حروان، بنی قاطع، بنی عجریش، بنی مالک، بنی تمیم.

طوایف ایلات بلوچ عبارتند از: یار احمدزائی، میرعبدی، ناروئی، ریگی، سارانی، سراوانی<sup>(۱)</sup> شغل عمده ایلات گله‌داری و پرورش دواب است. ایلات در فصل بهار گله‌های خود را برای چرا به سمت کوهستان می‌برند و در پاییز دوباره به دشت و جلگه باز می‌گردانند.

افراد ایل چون با افراد خارج از قبیله خود ازدواج نمی‌کنند بدین جهت بسیاری از آداب و رسوم قدیمی خود را حفظ کرده‌اند.

در دوره قاجاریه تقریباً عموم ایلات و حتی رؤسای آنها خواندن و نوشتن را نمی‌دانستند و

معتقد بودند که خان باید فقط شمشیر خوب بزند و اسب سوار ماهر باشد. هر یک از ایلات تحت اطاعت یکنفر رئیس است، قدرت و نفوذ رؤسا بسته به شخصیت و شجاعت آنهاست، این رؤسا بمنزله حکام بودند که کلیه امور داخلی ایلات را اداره می‌کردند. و در مواقع ضروری نیز شورایی از سران ایل تشکیل می‌دادند و با آنها مشورت می‌نمودند. رؤسای ایلات عده‌ای مسلح در اختیار داشتند و قدرت هر ایل بستگی به تعداد افراد مسلح بود، هر خانواده موظف بود که یک مرد جنگی تربیت کند و در اختیار رئیس ایل خود بگذارد. بختیاری‌ها در حدود پنجاه هزار و قشقایی‌ها در حدود ۲۵ هزار نفر مرد مسلح داشتند بدین ترتیب بعضی از خوانین ایلات با داشتن چنین نیرویی، نهایت سؤاستفاده را در دوره قاجاریه از قدرت خود می‌کردند و با تجاوز به روستاها و قتل و غارت، امنیت و آرامش کشور را به هم می‌زدند به همین جهت راههای مسافری و تجارتی به واسطه وجود ایلات، مورد اطمینان نبود، زیرا اکثر ایلات مسلح، از تاریکی شب استفاده و به کاروان‌هایی که از جاده می‌گذشت حمله و زن و بچه‌ها را اسیر می‌کردند و مردان را به قتل می‌رساندند. گاهی عده‌ای از افراد ایل بنا به فرمان رئیس خود یا خودسرانه به دهی حمله‌ور می‌شدند و بنام رئیس خود تقاضای پرداخت پول و آذوقه می‌کردند، مالکین و رعایا، چاره‌ای جز اطاعت نداشتند زیرا در غیر اینصورت همه اموالشان به غارت می‌رفت.<sup>(۱)</sup>

رؤسای ایلات مسئول پرداخت مالیات ایل خود به حکام بودند، ولی در موقع ضعف دولت، رؤسای ایلات از پرداخت مالیات ایل خود امتناع می‌کردند. حکام دولت نیز به علت قدرت فوق‌العاده ایلات، جرأت مخالفت با آنها را نداشتند و اغلب اتفاق افتاده که حاکم و مامور دولتی که مخالف ایل به خصوص بود، پس از معزول شدن از مقام خود، مورد تعدی ایل مزبور قرار گرفته و اموال و ثروتش تاراج شده است.<sup>(۲)</sup> قدرت ایلات و هم چنین مساعدت‌هایی که عشایر و ایلات در مواقع ضروری برای حفظ تاج و تخت ایران می‌کردند باعث می‌شد که دولت‌های وقت در صدد تضعیف و سرکوبی آنها برنیایند. در نتیجه عوامل فوق و عدم توجه دولت، کشاورزان به علت ناامنی، در نهایت سختی زندگی می‌کردند و اموالشان همیشه در معرض غارت قرار می‌گرفت و میزان محصولات نیز تنزل فاحشی داشت، به طوری که اغلب نواحی کشور گرفتار قحطی می‌گردید.

۱ - شرح زندگی من - عبدالله مستوفی ص ۱۷

۲ - یکسال در میان ایرانیان - ادوارد براون ص ۲۲۳



دهات ایران معمولاً دارای ساختمان‌های گلی است که استحکام زیادی ندارد و با آمدن سیل و یا زلزله خفیف ویران می‌شود.

در دهات بزرگ، از طرف مالک گرمابه‌ای ساخته می‌شود و هر خانواده به نسبت افرادش مقداری گندم هر سال به مالک می‌دهد.

لباس دهقانان شلوار و پیراهن پنبه‌ای است و لباده‌ای بلند هم روی لباسهای خود می‌پوشند و در فصل زمستان از یک لباس بلند پشمی نیز استفاده می‌کنند.

در دهات، مالک هر ده، قاضی اهالی است و به اختلافات آنها رسیدگی می‌کند و دستورات خود را به وسیله کدخدا و مباشر اجرا می‌نماید. در دهات خرده مالک هم، اشخاص مسن و طرف

اطمینان، قضاوت را عهده‌دار می‌شوند و به دعاوی حقوقی و جزائی دهقانان رسیدگی می‌کنند. مالک ده مسئول پرداخت مالیات دولت بود. واحد مالیات از روی شخم تعیین می‌شد. بدین

ترتیب که از هر شخمی به مقدار یک دهم محصول به دولت تعلق داشت، البته این نوع مالیات چندان به نفع دولت نبود، زیرا امکان داشت میزان محصول به مرور زمان زیاد شود، ولی سهم دولت

همان مقدار سابق بود. زمین‌های ده به رسم اجاره به هر گاوبند واگذار می‌گردید، کلیه مخارج کشت و تهیه تخم به عهده رعیت بود و آب را نیز مالک می‌داد و نصف محصول از زمین‌های مشروب و غیر مشروب سهم

مالک بود، بهره مالک، جنسی یا نقدی به نرخ بازار تعیین می‌گردید، زارع باید سهم ارباب را به منزل یا بازار فروش برساند، هم چنین در فصل زمستان از اسب‌های ارباب مجاناً نگاهداری کند، به علاوه

دهقانان مجبور بودند هم برای دولت و هم برای ارباب خدمت سربازی انجام دهند و مخارج سربازان ارباب بر عهده خودشان بود و ارباب از این عده مسلح در شکار و زد و خورد با مخالفان خود استفاده

می‌کرد. زمین‌هایی که عشایر در اختیار دارند از دو منطقه گرمسیر و سردبیر تشکیل می‌گردد زمستانه و تابستانه (قشلاق و ییلاق) قشلاق از کلمه قش به معنی زمستان گرفته شده و ییلاق از کلمه (یای

یعنی تاپستان)

بررسی درباره مذاهب ایلات این نتیجه رسیده که افراد ایلات، پیرو دین اسلام و عده‌ای شیعه و عده‌ای سنی می‌باشند.

چادرهای مورد استفاده ایلات ایران دو نوع است یکی سیاه چادر که از موی بز بافته می‌شود و انواع مختلف دارد و شکل آن مکعب مستطیل است، نوع دیگر آن به شکل کره یا نیم کره است.

## اقلیت‌های مذهبی

### اقلیت‌های مذهبی

زردشتیها، عیسوی‌ها و یهودی‌ها هستند که در بیشتر شهرهای ایران سکونت دارند، آرامنه بیشتر در آذربایجان و پیرو مذهب ارتودکس می‌باشند.

از ابتدای قرن ۱۳ هجری، ابتدا کشیشان آمریکایی و بعد فرانسوی تحت حمایت کنسولگری‌های مربوطه خود، به تبلیغ مذهب مسیح می‌پرداختند و روزنامه‌هایی نیز از طرف همین مبلغان برای این عده از اقلیت‌های مذهبی، انتشار یافت البته در مواقع ضروری نیز از وجود آنها برای انجام دادن مقاصد خویش استفاده می‌کردند.

زردشتیان بیشتر در دو شهر کرمان و یزد سکونت داشتند و به غیر از این دو ناحیه زردشتیان در سایر نواحی تا حدی در زندگی خود آزاد بودند ولی در کرمان و یزد تابع مقرراتی بودند که برای آنها مقرر شده بود، از جمله پوشیدن لباس سبز.

ادوارد براون می‌نویسد: «این نوع لباس از طرف مسلمانان برای ایشان تعیین گردیده تا مسلمانان از روی لباس آنها را شناخته و از معاشرت و برخورد با آنها پرهیز کنند آنها نباید بر اسب سوار شوند و هنگامی که مسلمانی از پیش زردشتی عبور می‌کند، زردشتی مجبور است از مرکب خود پایین بیاید ولو اینکه سن و مقامش از مسلمان برتر باشد. تعداد زردشتیان بالغ بر ۱۰ هزار نفر و همگی کشاورز و بازرگان می‌باشند.»

بطور خلاصه می‌توان گفت پیروان زردشت بیش از عیسویان و یهودیان در زندگی خود محدودیت داشتند و بیشتر از پیروان مذاهب دیگر، مورد تعدی و تعرض قرار می‌گرفتند، با وجود این محدودیت‌ها و سخت‌گیری‌ها، زردشتیان آداب و رسوم قدیم خود را از دست نداده بودند، از جمله روز نهم که مصادف با جشن شده است در کرمان و یزد مراسمی انجام می‌دادند و در بیرون شهر در چند نقطه آتش روشن می‌کردند و عده زیادی اعم از زردشتی و مسلمان برای تماشا و شادی، گرد آن جمع می‌شدند.

«در کرمان و یزد آتشکده‌هایی وجود داشت، که مراسم مذهبی در آنجا به عمل می‌آمد در این آتشکده‌ها، روحانیون زردشتی دور آتش جمع شده و به تلاوت کتب دینی مشغول می‌شدند، به علاوه همین آتشکده‌ها، محل تعلیم و تربیت جوانان بود و مغ‌ها به جوانان زردشتی زبان پهلوی را تعلیم می‌دادند روابط بین شیعه‌ها و سنی‌ها چندان خوب نبود به خصوص در آذربایجان که در سایه جنگهای ایران و عثمانی در زمان صفویه و قتل و غارت‌هایی که مردم این ناحیه در آن موقع دیده



بودند، دل‌های مردم پر از کینه و دشمنی نسبت به سنیان بود و با اقدامات خود موجب ناراحتی آنها می‌شدند، چنانکه مسلمانان در روز نهم ربیع‌الاول را که روز کشته شدن خلیفه دوم است جشن می‌گرفتند همچنین یک‌عده مخصوص به نام لعنت‌چیان بودند که در بازار و کوچه مخالفین اسلام را با صدای بلند نفرین می‌کردند. ولی این مراسم بعد از مشروطیت از بین رفت و در حال حاضر سنی‌ها و شیعه‌ها برادروار در کنار هم زندگی می‌کنند.

## عواملی که باعث صدور فرمان مشروطیت گردید

عواملی که باعث صدور فرمان مشروطیت گردید

در دوران قاجاریه به خصوص در زمان حکومت ناصرالدین شاه تحولات زیادی در امور اجتماعی سیاسی و اقتصادی به وجود آمده است از جمله اجرای سیاستهای استعماری و رقابت روسیه و انگلستان بر سر استفاده از منابع اقتصادی ایران و عدم رضایت مردم و روشنفکران از دادن امتیازهای مختلف (رژی - لاتاری - راه آهن - استخراج معادن) به کشورهای خارجی و استقراض باعث گردید که شخصیت‌هایی از جمله سیدجمال‌الدین اسدآبادی و میرزا ملکم خان و دیگران در تنویر افکار عمومی و ابزار مخالفت با حکومت وقت به پردازند که درباره این مسائل در صفحات بعد توضیح داده می‌شود.

انتشار روزنامه، تأسیس دارالفنون بوسیله امیرکبیر و آمدن معلمان خارجی و آشنا شدن مردم به طرز حکومت در کشورهای دیگر باعث تشکیل اتحادیه‌ها و انجمن‌های مخفی بر علیه حکومت وقت گردید.

برای روشن شدن مسائل فوق که منجر به پیدایش حکومت مشروطه گردیده، لازم است توضیحات کافی در باره وضع اجتماعی این دوره و اصلاحاتی که بوسیله امیرکبیر انجام شده داده شود.

### اصلاحات امیرکبیر

محیط اجتماعی ایران آن عصر به علت ارتباطی که بین مردم ایران با روسیه در شمال و با انگلستان در جنوب برقرار بود و در اثر رفت و آمد هیئت‌ها و سفرا و نمایندگان اروپائی به ایران، برای اصلاحات جدید تا حدی زمینه مساعد بود و مردم برای اخذ اصول زندگی و معارف اروپائی آمادگی پیدا کرده بودند.

ناصرالدین شاه نیز به تمدن اروپائیان توجه داشت و به نقص تشکیلات کشوری و لشگری مملکت آشنا بود و برای رفع نواقص پیروی از فرهنگ اروپائیان را لازم می‌دانست ولی بیشتر درباریان وجود همان تشکیلات ناقص را از لحاظ منافع شخصی لازم می‌شمردند و هر وقت مقتضی بود عقاید و نظریات محافظه کارانه خود را در لباس وطن پرستی جلوه می‌دادند و ذهن شاه را مشوب می‌ساختند. ولی امیرکبیر اطرافیان سلطان را که با پیشرفت مقاصد او مخالفت می‌ورزیدند به هیچ شمرده و با اراده ثابت و محکم و بدون تردید و تزلزل دست به اصلاحات کشوری و لشگری زد.

## ۱- اصلاح امور مالی

امیرکبیر، در آغاز صدارت خود علاوه بر وجود مشکلات سیاسی و طغیانهای داخلی با خزانه تهی و هرج و مرج امور مالی کشور و تعهدات دولتی که از زمان محمدشاه باقی مانده بود، مواجه شد. بودجه کشور در حدود یک میلیون تومان کسر درآمد داشت و فرمانروایان و حکام ایالات و ولایات مالیات مقرر را به مرکز نمی‌فرستادند.

امیر بوسیله نیروی نظامی جدیدی که ترتیب داده بود مالیاتهای عقب افتاده را وصول کرد و از طرف دیگر کلیه مستمریهای گزاف را که بدون استحقاق به درباریان می‌دادند از بودجه حذف نمود و در اندک مدتی بین درآمد و هزینه کشور تعادل برقرار ساخت. اما حذف مستمریها و جلوگیری از حیف و میل اموال و دارایی دولت جمع کثیری از شاهزادگان و درباریان و نوکران دربار و حتی مهد علیا مادر شاه را، که از دخالت امیر در امور اندرون شاه سخت به خشم آمده بود، علیه آن مرد فداکار برانگیخت.

## ۲- اصلاح وضع ارتش

امیرکبیر چون خود مدتها در آذربایجان در دستگاه عباس میرزا ولیعهد زیر دست محمدخان زنگنه امیر نظام سمت لشکر نویسی و بعداً منشیگری نظام را داشت و با هیئتهای نظامی اعزامی از فرانسه و انگلستان از نزدیک آشنا و معتقد شده بود که باید اصول سازمانها و نوع تجهیزات ارتش ایران اصلاح شود با تجربیاتی که از این راه آندوخته بود، در دوران صدارت خود دست به اصلاحات نظامی زد. این اصلاحات عبارت بود از: برقرار کردن چیره و موجب معین برای افسران و سربازان، ایجاد کارخانه اسلحه سازی (قورخانه)، تهیه لباس مشخص به سبک نظام اتریش برای سربازان از پارچه وطنی محصول ایران، سعی در تهذیب اخلاق و روحیه سربازان و منع و جلوگیری آنان از تجاوز و تعدی به اموال مردم، گروه‌بندی و رده‌بندی و مشخص ساختن صفوف ارتش به سبک نظام



اروپایی، تهیه و نشر رسالات و کتبی در فنون نظامی، بنای عمارت توپخانه در تهران و چندین سربازخانه در خارج پایتخت و پاسدارخانه و سربازخانه‌ها و استحکاماتی در شهرستانها.

### ۳- توسعه فرهنگ

در مورد فرهنگ، امیرزا باید بانی و مؤسس فرهنگ نوین ایران دانست زیرا او با تأسیس مدرسه دارالفنون و انتشار کتب فنی و بهداشتی و اعزام محصلین به اروپا و استخدام معلمین اروپایی در حقیقت قسمتی از آمال و آرزوهای اصلاح طلبانه خود را عملی ساخت.

بنای دارالفنون، که نقشه آن بوسیله میرزا رضا مهندس (از محصلین اعزامی ایران به انگلستان در زمان فتحعلیشاه) تهیه شده بود به سال ۱۲۶۶ قمری آغاز شد و یک سال طول کشید. سال بعد امیر هیئتی از معلمین اتریشی را برای تدریس در دارالفنون استخدام نمود. این هیئت در سال ۱۲۶۸ به تهران رسیدند و در بین آنان کاپیتان زاتی<sup>(۱)</sup> استاد مهندسی و چاروتتا<sup>(۲)</sup> استاد عملیات کوهستانی در رشته نظام، و دکتر پولاک<sup>(۳)</sup> استاد داروسازی بودند<sup>(۴)</sup>.

دارالفنون دارای هفت شعبه: پیه نظام، توپخانه، مهندسی، سواره نظام، پزشکی و جراحی، داروسازی، معدن‌شناسی بود و هر یک از استادان اروپایی یکی از محصلین اعزامی ایران به اروپا را که اینک به ایران بازگشته بودند برای مترجمی خود انتخاب کردند. علاوه بر رشته‌های فوق‌الذکر، تاریخ و جغرافیا و علوم طبیعی و ریاضی و زبان فرانسه نیز در دارالفنون تدریس می‌شد. کارخانه شمع سازی و آزمایشگاه فیزیک و شیمی و داروسازی و نیز یک چاپخانه و یک کتابخانه از مؤسسات وابسته به دارالفنون بود.

نخستین روزنامه در ایران در اوایل سلطنت محمدشاه انتشار یافت که نام مخصوصی نداشت و میرزا صالح شیرازی مهندس آنرا اداره می‌کرد. «ادموند دو تامپل در تاریخ مختصر قاجاریه که در سال

1- Capitain Zattie.

2- Carnota

3- Dr Polak

۴ - معلمین دیگر اروپایی دارالفنون عبارت بودند از ژنرال پروسکی که جغرافیا و زبان فرانسه تدریس می‌کرد و بوهرلر (Bohler) فرانسوی معلم ریاضی و مسیو ریشار (M. Richard) فرانسوی بعدها مسلمان شد و به میرزا رضا خان مشهور و سپس به لقب مؤبدالدوله ملقب گردید.

۱۸۷۳ مسیحی مطابق ۱۲۹۰ هجری در پاریس طبع کرده در باب این روزنامه می نویسد: (در عهد محمد شاه به سال ۱۸۷۳ میلادی (مطابق ۱۲۵۳ هجری) اولین بار در تهران روزنامه‌ای دولتی انتشار یافت و این روزنامه ماهیانه بود. تاریخ انتشار اولین شماره آن اول ماه مه (دوشنبه ۲۵ محرم ۱۲۵۳) بود. این روزنامه با چاپ سنگی به قطع یک ورق بزرگ از کاغذ خان‌بالیغ چاپ می‌شد و چاپ آن چندان عالی نبود. روزنامه مزبور نام مخصوصی نداشت، فقط در آخر صفحه اول آن نشان دولتی ایران دیده می‌شد) همین روزنامه است که پس از تغییراتی محسوس به صورت روزنامه وقایع اتفاقیه روزنامه رسمی در آمده است.

به دستور امیرکبیر روزنامه «وقایع اتفاقیه» منتشر گردید و نخستین شماره آن روز جمعه پنجم ربیع‌الثانی ۱۲۶۷ در طهران انتشار یافت. این روزنامه هفتگی و چاپ آن سنگی و به تفاوت دارای سه یا دو ورق و شماره اول آن دارای نقش شیر و خورشید ایران در میان دو درخت و بالای شیر و خورشید نوشته شده بود «یااسدالله الغالب» و در شماره‌های بعدی به جای عبارت «یا اسدالله الغالب» جمله «روزنامه وقایع اتفاقیه» نوشته شده است.

شماره اول این روزنامه چنین شروع شده است:

«از آنجا که همت حضرت اقدس شاهنشاهی مصروف بر تربیت اهل ایران و استحضر و آگاهی آنها از امورات داخله و وقایع خارجه است لهذا قرار شد که هفته به هفته احکام همایون و اخبار داخله مملکتی و غیره را که در دول دیگر گزرت می‌نامند در دارالطباعة دولتی زده شود و به کل شهرهای ایران منتشر گردد که اهالی ممالک ایران نیز در هر هفته از احکام دارالخلافه مبارکه و غیره اطلاع حاصل نمایند و از جمله محسنات این گزرت یکی آن که سبب دانایی و بینایی اهالی این دولت علیه است دیگر این که اخبار کاذبه اراجیف که گاهی بر خلاف احکام دیوانی و حقیقت حال در بعضی از شهرها و سرحدات ایران پیش از این باعث اشتباه عوام این مملکت می‌شد بعد از این بواسطه روزنامه‌چه موقوف خواهد شد و بدین سبب لازم است کل امنای دولت ایران و حکام ولایات و صاحب منصبان معتبر و رعایای صادق این دولت این روزنامه‌ها را داشته باشند.»

مدیر روزنامه، حاجی میرزا جبار رئیس تذکره و سردبیر آن یکنفر انگلیسی به نام ادوارد برجیس نویسنده یا کاتب آن شخصی به نام میرزا عبدالله بوده‌اند.

امیرکبیر تا آنجا که امکان داشت در طبع و نشر کتب و رسالات مفید علمی و بهداشتی کوشید. از آن جمله نقشه پنج قاره عالم و یک نقشه جهان نما و دو جلد تاریخ ناپلئون و کتاب نظام ناصری تألیف بهرام میرزا قاجار و رسالاتی درباره لزوم تلقیح ضد آبله و امثال آنها به تشویق و همت امیرکبیر چاپ و منتشر گردید.



#### ۴- توجه به امور و مسائل اقتصادی

مهمترین اقدام امیر در این زمینه تأسیس کارخانه‌های تصفیه شکر و قند سازی در مازندران و بلورسازی در تهران و اصفهان و قم و کاغذ سازی در تهران و حریر بافی در کاشان و تهیه ماهوت و چلوار و کارخانه نخ ریزی و امثال آن و اعزام صنعتگران و کارگران فنی به ممالک اروپایی برای کارآموزی و تأسیس نمایشگاه کالای صنعتی ایران در پایتخت و تشویق صنعتگران و صاحبان حرفه بود.

#### ۵- اصلاحات اداری

مهمترین اصلاح اداری امیرکبیر عبارت بود از: تعیین مشاغل و میزان حقوق و مقرری هر شغل و مبارزه جدی با تنبلی و کاهلی کارمندان دولت و جلوگیری از رشوه خواری، اصلاح وضع چاپارخانه دولتی به صورتی که آماده حمل و نقل محمولات پستی به اقصی نقاط کشور گردید، ایجاد قراولخانه در معابر و راهها برای حفظ چاپارها و محمولات پستی، تأسیس دایره پاسبانی و آگاهی در پایتخت، نظارت دقیق بر اعمال کارکنان عالیرتبه دولت و حکام ولایات.

امیرکبیر که تعصب ملی بسیار شدید داشت، بوسیله مأموران مخصوص خود مناسبات و روابط رجال و وزراء و درباریان را با نمایندگان سیاسی خارجی در ایران زیر نظر گرفت و به کلیه عمال دولت دستور داد که از هرگونه رفت و آمد و تماس با مأموران خارجی احتراز جویند.

امیرکبیر امور وزارت خارجه را خود به عهده گرفت و محمدعلی خان شیرازی را که سفیر ایران در پاریس بود به معاونت وزارتخانه انتخاب کرد.

امیر ارتباط با بیگانه و جاسوسی به نفع خارجیان را بالاترین جرم و گناه می‌دانست و بهمین جهت متخلفان را سخت مجازات می‌کرد.

بر اثر اصلاحات و اقداماتی که امیر در فع نواقص کشوری و لشگری کرده بود قدرت زیادی کسب کرده و آنتهایی که از استفاده‌های نامشروع محروم شده بودند علیه او تحریک می‌کردند، ناصرالدین شاه بر اثر گفته‌های درباریان و دستورات مادرش مهد علیا، امیر را از صدارت معزول کرد و به حکومت کاشان فرستاد ولی دشمنان امیر چون از تعلق خاطر شاه نسبت به امیر اطلاع داشتند از ترس اینکه مبادا بار دیگر امیرکبیر به صدارت برسد به کمک مهد علیا شاه را به صدور فرمان قتل امیر وادار کردند که البته امیرکبیر هم در مکاتبات خود با شاه رعایت احترام او را نمی‌کرد و این خود

وسيله‌ای شد که مخالفانش از آن بر علیه او استفاده کنند<sup>(۱)</sup> سند شماره ۱۹

ناصرالدین شاه در دوران سلطنت خود با راهنمایی امیرکبیر اقدامات مفیدی کرده است از جمله، تأسیس دارالفنون، ایجاد بیمارستان، تلگرافخانه، ضرابخانه، بانک، پست خانه، ایجاد کارخانه توپ ریزی، فشنگ سازی، باروت سازی، تأسیس اداره پلیس و سربازخانه در شهرها، ساختن قلاع متعدد در سرحدات کشور و بناهای مختلف در راهها برای اقامت مسافران، بهره‌برداری از معادن مختلف، تشکیل مجلس شورای دولتی و وزارتخانه‌های متعدد و نشر روزنامه.

از لحاظ مذهبی در خصوص طلاکاری گنبد بیشتر مقابر متبرکه اقدامات زیادی کرد که آثار آن وجود دارد.

ناصرالدین شاه در نتیجه مسافرت‌های به خارج کشور متوجه گردید که ادامه رویه سابق حکومت سلاطین در زمان حاضر باعث عقب مانده‌گی کشور خواهد شد و خودکامی پادشاهان نتیجه‌ای برای مملکت و مردم ندارد. بهمین جهت اداره امور مملکت را به شش وزیر سپرد که به کارهای مربوطه رسیدگی کنند او خودش نیز به شکایت مردم رسیدگی می‌کرد.

معیر الممالک که در دربار ناصرالدین شاه بوده در باره او چنین نوشته است:

«برای همه امکان داشت که شاه را ملاقات کنند و عرض حالشان را مستقیماً به او تسلیم نمایند و اگر حق به جانب آنها بود بندرت از نزد شاه مایوس بر می‌گشتند.

اگر کسی از صدر اعظم شکایت داشت بوسیله یکی از علما نامه خود را برای شاه می‌فرستاد و مورد بررسی و احقاق حق قرار می‌گرفت.»

ناصرالدین شاه نقش مهمی در پیشرفت هنر و اصلاح امور اجتماعی و آسایش عمومی داشته و احکامی که در این باره صادر کرده معرّف علاقه او به آسایش و رضایت مردم است.

طبق فرمانی مقرر کرده است که به اشخاصی، ماموریت داده شود که به بازارها بروند و مراقبت نمایند که قیمت نان و گوشت گران نشود و متخلفان را مجازات کنند. (سند شماره ۱)

او به وضع رفتار حکام در شهرها نیز توجه خاص داشت و اگر مردم از طرز رفتار حاکم ناراضی بودند دستور می‌داد او را معزول کنند و دیگری را به جای او بفرستند (سند شماره ۲)

در خصوص رعایت عدالت و اصلاحات دادگستری به عنوان ظل‌السلطان و سایر حکام فرمانهایی صادر کرده است. سند شماره ۳



برای ایجاد امنیت و جلوگیری از عملیات راهزنان و مهاجمان دستورات شدیدی صادر می‌کرد از جمله فرمانی برای دستگیری راهزنان لرستان داده است. (سند شماره ۴)

پس از اطلاع از تحریکات روسها در منطقه ترکمن صحرا علیه حکومت مرکزی، دستورات لازم در خصوص جلوگیری از عملیات آنها برای حاکم استرآباد فرستاده است (سند شماره ۵)

«جناب امین‌السلطان - برای اینکه معلوم شود اجرای احکام دولت در فقره نرخ نان و گوشت می‌شود یا نه. لازم است یک نفر از جانب دولت یا چند نفر فراش دولتی و یک نفر از جانب نایب‌السلطنه و یک نفر از طرف وزیر نظام معین شود که از فردا که جمعه است همه روز الی سرخرمن درکوچه و بازار و تمام شهر گردش کرده به نرخ نان و گوشت رسیدگی نمایند و هر عصر راپورت آنها به عرض برسد و اگر از قرار حکم تخلف شده باشد فوراً به عرض برسانند.

ازمضمون دستخط نایب‌السلطنه را اطلاع بده، شخصی که از جانب ما باید معین شود امشب معین کرده صبح روانه تنحص نرخها بفرستید باتفاق آدم نایب‌السلطنه و وزیر نظام این فقره خیلی لازم است»

### جناب صدراعظم

«این یادداشت محرمانه شخص دولتخواه را ملاحظه کردم، کار استرآباد همان است که خودتان در شهر به عرض رساندید و ما هم فرمایش فرمودیم، باید قرارهای تازه تغییر داده اولاً حاکمی باید فرستاد که مردم‌دار باشد و استرآبادی‌ها از او راضی باشند، آنوقت دستورالعملی داد که مشغول اجراء و ترتیب او بشود، با این حاکم حالیه که امکان ندارد، به آن شخص دولتخواه هم اطلاع بدهید که در فکر هستیم و باشد اول شرط حاکم خوب است از این شخص هم ترکمان شاکی است هم استرآبادی»

سند شماره ۲

«تلگراف ناصرالدین شاه به ظل‌السلطان درباره اصلاحات و گسترش وزارت عدلیه (دادگستری) از طهران به اصفهان نمره ۴ دولتی ۱۲۰ (کلمه) دستخط - ظل‌السلطان چون اهم امورات دولت اشاعه عدل و داد است و ما نیز از اول جلوس خود تاکنون کمال مراقبت را در این کار فرموده‌ایم و هیچوقت دقیقه از دقایق آن را مهمل نگذاشته‌ایم و انشاءالله نخواهیم گذاشت این اوقات را که از دیوانخانه عدلیه اعظم غیر از اسمی بی رسم نمانده بود لازم دانستیم که اساس آن را محکم فرمائیم، این بود که مجدداً خیلی با عظم و اجزای زیاد و قواعد صحیحه دیوانخانه را برقرار نموده عضدالملک را هم بوزارت عدلیه منصوب داشتیم و بشما هم اطلاع می‌دهیم که احکام صادره از دیوانخانه را حکم ما دانسته فوراً بموقع اجراء گذاشته معطل ندارند و هرقدر بتوانید در تقویت و اجراء احکام دیوانخانه فروگذار نکنید، شب ۲ رمضان ۱۳۰۴ تلگرافخانه مبارکه اصفهان» (سند شماره ۳)

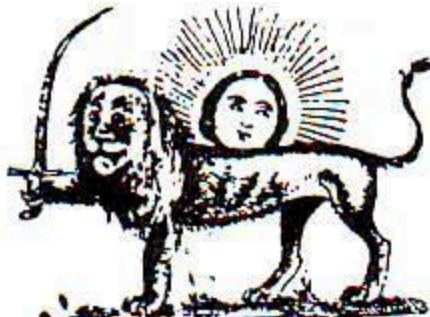




کما فی حدیث  
 که در این باره  
 در بعضی  
 کلمات  
 در بعضی  
 کلمات

ان یار دلت جوانه گفت و گفت  
 سفینه کف کار را بر آب جان  
 ه صفه در لوتی تا زیر  
 و امام فکاهی ز جوم با به قفس  
 تازه بفر داد احد ماکس  
 بار و بار درم دار به  
 در اثر ابله نزار و کوشش

که در این باره  
 در بعضی  
 کلمات  
 در بعضی  
 کلمات  
 در بعضی  
 کلمات  
 در بعضی  
 کلمات



امام رضا علیه السلام در دولت پارتی

۱۳۰۴  
سند

از طهران  
م

اطلاعات	تاریخ ارسال	عدکلمات	م
	ساعت	روز	
	حقیقتا	۱۰	

دشمنان خدایان خیر استم ابرار است شکر عدل و در دولت وزیران وزیر جوهر خود گنیز کمال  
 مرعیت را در نیز کار فرماییم و بیجوت قیام از دین از بهر سرشته ایم و شاه نخواهیم که نشانی از او  
 که در دینخانه عدلیه عظیم غیر از شمر بر سر نهاده بود اللهم و نیستیم که اسرار از حکم فریستم نیز بود که مبردا رخ عظیم  
 زود و قوی صمیمه دیوانه را بر قرار نموده است را هم نوزارت عدلیه منصوب داشتیم و بشاه طبع سر رسید  
 که حکم صادره از دیوانه را حکم دانسته بودیم و بر موقوفه هر کز است مطهر نماند و هر قدر بودید در لغت و مصلحت  
 در خانم فرو که بخشنید شب ۲۲ صفر ۳۲۰





دستوری است از ناصرالدینشاه برای تعقیب راهزنان لرستان و تنبیه یکی از فئودالهای یاغی نهند (تاریخ آن ذیحجه ۱۳۱۲ ق می باشد)

«جناب صدراعظم - اولاً قزاقهایی که باید برای دزدبگیری بروند پولشان و اخراجات آنها را نمی دانم داده اید یا نه؟ البته آنها را زود زود روانه بکنید بروند، دستورالعملی که برای آنها باید بنویسید ملاحظه نشده است.

نامدارخانه خزل پدر سوخته کمال هرزگی را در خزل و غیره می کند، گرفتن و بستن او کار این قزاقها نیست. الان به امیر نظام تلگراف بکنید که یکتفر سرکرده معتبر با سواره و سرباز و جمعیت صحیح فوراً مامور بکند بروند خزل نامدارخان را با پسرش و اتباعش و الواطش تماماً بگیرند، هرچه از مردم دهات برده و غارت کرده اند تماماً را بصاحبانش بدهند خود آنها را هم مقلولاً محبوساً تماماً را بطهران بفرستند، حکما از امیرنظام این خدمت را بخواهید، البته سند شماره ۴

ناصرالدین شاه برای برقراری امنیت جلوگیری از فعالیت خارجیان در ایجاد ناامنی و تحریک ایلات و عشایر به حکام و فرمانروایان دستوراتی صادر کرده است که مواظب اوضاع قلمرو خود باشند از جمله به سیف الملک حاکم استرآباد نوشته است که از تحریکات و فعالیت های روسها در قبایل ترکمن جلوگیری بعمل آورند و اشخاصی را با لباس مبدل برای کسب اطلاع میان آنها بفرستند، و اوضاع آنها را گزارش دهند تا دستورات لازم داده شود.

پیشنویس تلگراف رمزی است (مورخ سوم ربیع الاول ۱۳۰۸) که از طرف ناصرالدینشاه به سیف الملک حکمران استرآباد مخابره شده و در آن تعلیماتی جالب و مهم برای جلوگیری از تحریکات و مفسده جوئی روسها در استرآباد و ترکمن صحرا داده شده است.

### رمز بشود به سیف الملک

«البته تلگراف رمزی که چند روز پیش از این حسب الامر، امین السلطان بشما کرده بود رسیده است، چون باز مطلب لازمی است مجدداً تلگراف می شود از جاجرو د امین السلطان بزیارت قم رفته است اینجا نیست حالا ما خود بتو تلگراف می کنیم، جواب زودتر بعرض رسانید. به بعضی جهات خیالات روسها این اوقات جمع بر این است که ترکمان یموت را به هیجان آورده اغتشاش عمده در استرآباد برپا نمایند، سابق نوشتم که خیلی با احتیاط باید حرکت کنید و در میان ترکمان یموت و درسرحدات اترک و توی جعفر بای ها حتی بخاک روسیه با لباس های مختلفه آدم های زیرک هوشیار و جواسیس زیاد بفرستید و از خیالات و وضع تحریک آنها اطلاع حاصل کنید و درصدد چاره برآید، این قشونی که حالا در استرآباد هست همه را دلگرم و خوب نگاهدارد، قشون خود





استرآبادی، مازندرانی را بهمچنین و هرچه کسر و نواقص داشته باشند از هر جهت درست کرده بعرض برساند و این پانصد نفر سواری را هم که حالا تازه مامور می‌کنیم انشاءالله زود می‌رسند، دوپست و پنجاه نفر آنها که «دسته صاین قلعه افشار» و «چهاردولی» باشند فردا که چهارم ماه است از راه بسطام عازم هستند و زود می‌رسند سواره بسیار خوبی هستند، دوپست و پنجاه نفر هم «قره پاپاق» متعاقب آنها روانه می‌شوند، سابق عرض کرده بودی که بعد از رسیدن اینها غلام شاهسون و نهانندی و هزار جریبی را مرخص خواهی کرد، باعتقاد ما تا درست از امورات روسها خاطر جمعی حاصل نشود نباید یک نفر از قشون آنجا را مرخص بکنید سهل است اگر لازم بدانید فوج تهران یا لاریجان را هم بخواهید روانه کنیم آنجا بیایند که کمک باشند، اگر اسلحه و تفنگ و فشنگ هم کم داشته باشد عرض کنید که باز فرستاد شود.

از قراری که امروز در روزنامه تلگرافی حاجی اسحق خان سرتیپ سمنانی که از کلات زده بود ملاحظه شد، روسها حاکمی که در قهقه اشگ کلات داشته‌اند به عجله برده‌اند عشق‌آباد و این شخص گفته بوده است که مرا برای این می‌برند که به توی یموت بفرستند. اگر صحت داشته باشد معلوم است برای تحریک آنها می‌فرستند.

همچنین نوشته بود که شخص هندی که مدتی در خراسان بود در خاک روس رفته بوده است او را هم به عجله از اشگ به عشق‌آباد برده‌اند، معلوم می‌شود که این شخص را می‌خواهند توی ترکمان یموت مثل ایشان‌های سابق برای تحریک ترکمان و جهاد مراسم ملائی و درویشی بفرستند.

خلاصه در هر صورت این نوع بازیها را در کارند در بیاورند، خیلی خیلی در کارهای سرحدی و ترکمان دقیق و بصیر باشید ابدأ دقیقه‌ئی غفلت نکنید، ترکمان‌ها را خیلی استمالت بدهید و به آنها بفهمانید که اگر ذره‌ئی بتحریک دیگران بنای هرزگی بگذارند این دفعه طوری آنها را تنبیه می‌کنم که دیگر آثاری و دیاری از ترکمان باقی نماند زود زود اخبار ترکمان و سرحد را بعرض برساند که البته جواب رمز سابق و این رمز را زود عرض کند» سند شماره ۵

ظلل السلطان گزارشی درباره فعالیت‌های عوامل انگلیس در تحریک و ایجاد عدم رضایت بین مردم اصفهان فرستاده و ناصرالدین شاه دستوراتی داده است که اشخاصی را مامور کنند که مراقب اعمال و کارهای آنها باشند و نتیجه را ارسال دارند تا دستورات لازم داده شود.<sup>(۱)</sup>

Handwritten text in Persian script, likely a historical document or manuscript. The text is arranged in several columns and appears to be a formal record or decree. The script is dense and characteristic of historical Persian documents. The document is titled "سند شماره ۵" (Document No. 5) and concerns the appointment of a governor for Isfahan.

سند شماره ۵ - دستورات به حاکم استرآباد برای جلوگیری از تحریکات روسها



نامه دربارهٔ فتنه‌انگیزیهای دولت روس در «دیموت و ترکمن صحرا» و توضیح نیت استعماری آندولت در استرآباد. این نامه بدستور «ناصرالدینشاه» از طرف «امین السلطان» به «علاء السلطنه» وزیر مختار ایران در لندن نوشته شده و وی را ماموریت داده است که مطالب نامه را به اطلاع «لرد سالسبوری» وزیر خارجه انگلستان برساند.

خلاصه نامه امین السلطان به علاء السلطنه وزیر مختار ایران در لندن.

این نامه را درباره ترکمان یموت و اوضاع امور آنجا و برنامه‌های روسها می‌نویسم و چون محرمانه است خودتان ترجمه کنید و به جناب لرد سالسبوری وزیر خارجه انگلستان بدهید و عقیده ایشان را بنویسید تا به نظر شاه برسانم.

ترکان یموت قریب هشت هزار خانوار است که در صحرای گرگان به کشاورزی اشتغال دارند و سران آنها از دولت مقرری نقدی و جنسی دریافت می‌کنند.

طایفه دیگر به نام چمور که شرور و دزد هستند و گاو و گوسفند از ترکمانهای کولان به سرقت می‌برند، این طایفه اسلحه کامل دارند که بیشتر تفنگهای روسی است. هر وقت از طرف دولت ایران به علت سرقت مورد تعقیب قرار می‌گیرند به خاک روسیه می‌روند. دولت ایران مکرر از دولت روسیه خواست موقعی که افراد این قبیله به علت سرقت یا علل دیگر مورد تعقیب قرار می‌گیرند آنها را به خاک خود راه ندهد.

دولت روسیه که خود نظری نسبت به استرآباد داشت این پیشنهاد را نپذیرفته و علاوه بر این آنها را با تفنگهای روسی مجهز کرده و پیشنهاد نموده که برای نظم این ناحیه یک افسر روسی به عنوان حاکم ترکمان و عده‌ای سرباز از طرف آنها فرستاده شود، البته نظر نهائی روسیه از این پیشنهاد نفوذ در ناحیه و تصرف آن است.

روسها در تحریک ترکمانها و ایجاد عدم آرامش نقش اساسی دارند و یحیی بیگ از سکنه قفقاز را برای ایجاد اغتشاش فرستاده‌اند.

مقصود دولت ایران از نوشتن نامه این است که انگلیس از حقیقت جریان امر و نظر روسها در شمال ایران اطلاع پیدا کند و در ضمن دولت ایران بداند که انگلیس که بموجب بعضی از تعهدات حافظ حقوق ایران است، در این باره چه اقدامی خواهد کرد.

رجب ۱۳۰۸ امین السلطان

### نامه امین‌السلطان به علاء‌السلطنه وزیر مختار ایران در لندن

«محرمانه است. این تفصیل را در باب ترکمان یموت و غیره و اوضاع امور آنجا و خیالات سایرین در این موقع برحسب امر بندگان اقدس همایون روحنا فداه بشما می‌نویسم و چون خیلی محرمانه است با چاپار انگلیس فرستادم که انشاءالله سلامت بدست شما برساند و شما هم بعینه ترجمه کرده و وقت خواسته خودتان بپسید خدمت جناب لرد سالیسبوری برسانید و برای ایشان بخوانید و یک صورت هم محرمانه بایشان بسپارید و عقیده ایشان را در این مسئله تحصیل نموده در جواب این کاغذ بفرستید که بعرض حضور همایون برسانم.

ترکمان یموت که حالا در رعیتی ایران است قریب هشت هزار خانوار است که تقریباً نصف آنها دائم‌الاقوات در خاک ایران در صحرای گرگان از استرآباد و دامنه کوه‌های استرآباد الی اترک که سرحد حالیه ایران و روس است می‌نشینند و رعیتی می‌کنند از زراعت و کرایه کشی و امثال آنها، و مالیات می‌دهند و اینطایفه خیلی کم شرارت می‌کنند بلکه هیچ، و اگر گاهی شرارتی بکنند از آن قبیل است که در هر شهر معتبر و میان هر فرقه متمدن هم گاهی امثال آن واقع می‌شود.

حاکم و مأمورین ایران بر این طایفه کمال تسلط را دارند و بکلی مطیع امر و نهی حکام ایران هستند، دولت هم با آنها کمال رأفت و مهربانی را مرعی می‌دارد و قریب چهارصد نفر آنها جزو قشون دولتی برقرار است و هر ساله مواجب داده می‌شود و در موقع جنگ مثل سایر قشون دولتی مأمور می‌شوند و خدمت می‌کنند و اغلب ریش سفیدان و ملاهای آنها از دولت مواجب و مقرری نقدی و جنسی دارند، بعضیها هم منصب و نشان و سایر امتیازات که سایرین از طوایف و ایلات داخله هم داده می‌شود و معمول است دارا هستند، مالیات دیوانی آنها هم نسبت بسایر رعایای ممالک ایران خیلی کمتر است، این طایفه که بتفصیل شرح داده شد باصطلاح خودشان «چمور» نامیده می‌شوند که بمعنی متوقف است، نصف دیگر از طایفه یموت که موسوم به «چاروا» هستند یعنی متحرک بموجب اسم خودشان در حرکت هستند و بیلاق و قشلاق می‌کنند که رویهمرفته در سالی شش ماه برای «قشلامیسی» در خاک ایران هستند، باینمعنی که از سرحد اترک گذشته داخل صحرای گرگان ولی خیلی دورتر از استرآباد و همان کناره اترک و گنبد قابوس الی گرگان متفرق می‌شوند و در سالی ششماه برای «بیلامیسی» در خاک روس هستند که از اترک گذشته الی کوه‌های «مالنجان» رفته و مراجعت می‌کنند، این طایفه برعکس طایفه «چمور» که وحشیگریشان بیشتر و بالفطره شریر و دزد هستند گاهی از دهات استرآباد و اهالی آنجاها و گاهی از همان ترکمانهای «چمور» سابق‌الذکر و گاهی از «ترکمانهای کولان» که تفصیلشان بعد خواهد آمد شتر و گوسفند و